

صفحه آرا: خراسانی	فني (پرينت ۱)	دبير سرويس	صادق تاييد ۱	فني (پرينت ۲)	عبدالعالی زاده	حاجي پور	صادق معاون تحريري (تاييد نهائي)	مدیر مسؤول	خاتوني
امضاء	۲۰								
ساعت									



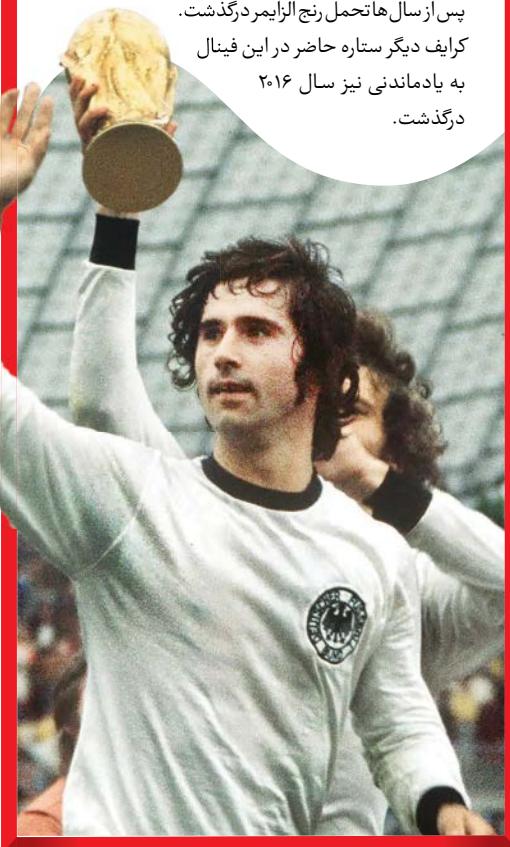
۲۱ جام، روایت

**طلع دوباره
بمب افکن**

در جام جهانی ۱۹۷۴ آلمان غربی، کلی ستاره با هنری به توب شدن چشم نوازی کردند؛ از گرد مولرتا یوهان کرافیل هنری، آلمان دوپاره، متشكل از غرب و شرق هر دور جام جهانی حضور داشتند و اتفاقاً رو به رو هم شدند که جو بازی‌های تاریخی این رقابت‌ها محسوب می‌شود. در آن دیدار تاریخی آلمان شرقی با یک گل به پیروزی رسید. اتفاق مهم این رقابت‌ها طراحی کاپ جدید برای قهرمان بود، این کاپ انسانی بود که که دستائش را به نشانه شور و شوق بلند کرده است. وزن کاپ جام جهانی ۱۹۷۵ ۶۴۶ گرم و ارتفاع آن ۳۶۸ میلیمتر است و جنس آن از طلای ۱۸ عیار است. البته این جام متعلق به فیفاست و هیچ کشوری نمی‌تواند آن را در اختیار خود بگیرد. در جام جهانی ۱۹۷۴ هیچ تیمی از آسیا حضور نداشت و هائیتی از کونکاکاف، زیر از آفریقا و استرالیا از اینوسیه تیم‌های جدید و تازه وارد بودند. دو آلمان غربی و شرقی در گروه A همگروه شدند و باشکست دادن شیلی و استرالیا به مرحله حذفی رسیدند. شیلی هم به دلیل امتناع اتحاد جماهیر شوروی از بازی در قلمرو آلمان‌ها جوار حضور در جام جهانی را به دست آورد. همچنان تفکرات نژادپرستانه مانع از شرکت سیاری از تیم‌های آسیایی و آفریقایی در این رقابت‌ها می‌شد.

به هر حال فینال جام جهانی ۱۹۷۴ بین هنلند و آلمان غربی برگزار شد. این دیدار در ورزشگاه مونیخ بود. همین جا یکی از سریع‌ترین گل‌های تاریخ جام جهانی ثبت شد. یوهان نیسکنر در ثانیه ۹۰ بازی برای هنلند گل زد اما ۲ گل از پل برایتner و گرد مولر بازی دیگر رزمن ها را قهرمان جام جهانی کرد. گرد مولر بمب افکن آلمان‌ها بود و در واقع گل او قهرمانی دیگری برای آلمانی‌ها ساخت. مولر در فینال کاری کرد که برای همیشه جاودانه شد. او یک سال پیش در ۷۵ سالگی پس از سال‌ها تحمل رنج آزاریمرد رگدشت.

کرافیل دیگر ستاره حاضر در این فینال به یادماندنی نیز سال ۲۰۱۶ به دست از سال پیش در ۷۵ سالگی درگذشت.



افشين خمان

گروه ورزش

هنوز چند دقیقه از شکست سنگین

تیم ملی ایران مقابل انگلستان نگذشته که کارلوس کی روش سمری ملی ایران در کنفرانس مطبوعاتی مسابقه باخت عرب ۲ را چندان دور از برنامه ایران ندانست و مضمون حرفش این بود که ما می‌دانستیم به انگلستان می‌بازیم و تمرکزمان را از اول هم گذاشته بودیم روی دو بازی بعدی، یعنی تیم‌های ضعیف‌تر.

همین جملات رامی شود به عنوان یک مصداق خوب برای یک تفکر و ذهنیت حداقلی همه جام‌نال زد. یک ذهن مهندسی شده که دارد حساب و کتاب می‌کند که چگونه حداقل را برد بداند و باید یک روحیه کاملاً محافظه‌کارانه، روپردازی را محدود کند به فرمول‌های فنی و ریاضی شده روی کاغذ، به منطق، به عقل و ...

ذهنیت حداکثری اما روپایه‌ایش را بزرگ‌تر می‌گیرد، به خودش می‌گوید که چرا به بزرگ‌تر از این جواب‌های فنی فکر کنم به قابلیت‌های بزرگ، به پتانسیل‌های کشف نشده، به قدرت اراده! عربستان اگر فکر نمی‌کرد که می‌شود آرژانتین را برد، یا این اگر فکر نمی‌کرد که آلمان و اسپانیا را می‌توان سوباسا داشت و سپس این سوباسا را ساختند. این همان



ذهنیت
حداکثری
داشتن، تنها
به معنای
روپردازی و
باورداشتن
خود نیست، به
معناهای تلاش
و برنامه‌ریزی
بیشتر است.
ژاپن شاید مثل
بسیار خوبی
باشد



ذهنیت حداکثری چگونه رویاره محقق می‌کند؟

سوپاسهای که ژاپن ساخت

برد، کره جنوبی اگر فکر نمی‌کرد که می‌شود پرتعال را برد، گام اول را برای بردن این تیم‌ها بر نمی‌داشت. در مقابل ذهنیت حداقلی همان چیزی است که در بازی آخر تیم ملی ایران مقابله آمریکا مشهود بود. ما باور نکردیم که می‌شود آمریکا را برد، تمام استراتژی و برنامه ما این بود که برویم یک مساوی بگیریم و صعود کنیم. با همین تفکر بود که به موثرترین عنصر هجومی خودمان یعنی مهدی طارمی هم در درون خودی وظیفه دفاعی سپردم. نتیجه این ذهنیت حداقلی از دست دادن کل رویا بود.

ذهنیت حداکثری داشتن، تنها به معنای روپایه‌داری و باور داشتن خود نیست، به معنای تلاش و برنامه‌ریزی بیشتر است. ژاپن شاید مثل بسیار خوبی باشد.

آنها زمانی که سوباسا را به عنوان الگوی قالی اینیمیشن می‌کردند، در همان لذت نمادندن، برنامه ریختند، هزینه کردند، تلاش کردند، نسل‌ها را یکی بس از دیگری ارتقا دادند تا امروز تیمی دارند که می‌تواند از گروهی بالا بود که در نگاه اول در حضور آلمان و اسپانیا حتی به اندازه سر سوزنی کسی برای آنها شانسی قائل نبود. آنها اول باور کردند که می‌توان سوباسا داشت و سپس این سوباسا را ساختند. این همان